

۳

ویلیام

شکسپیر

مکبث

ترجمہ ی علی رضا مہدی پور



سرشناسه: شکسپیر، ویلیام، ۱۶۱۶-۱۵۶۴ م

Shakespeare, William

عنوان و نام پدیدآور: مکبث / ویلیام شکسپیر؛ ترجمه‌ی علیرضا مهدی‌پور

مشخصات نشر: تهران: نشر چشمه، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۱۸۱ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۳۹-۸۹۸-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیها

یادداشت: عنوان اصلی: Macbeth, 2004

یادداشت: کتاب حاضر در سال‌های متفاوت توسط ناشرین و مترجمان متفاوت منتشر شده است.

موضوع: نمایش‌نامه‌ی انگلیسی -- قرن ۱۶ م

موضوع: English drama -- Early modern and Elicabethan, 1500-1600

شناسه‌ی افزوده: مهدی‌پور، علیرضا، ۱۳۴۱، مترجم

رده‌بندی کنگره: PR

رده‌بندی دیویی: ۸۲۲/۳۳

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۹۲۹۳۶۴

ردمندی نشر چشمه: هنر- نمایش نامه

مکبث
ویلیام شکسپیر
ترجمه‌ی علی رضا مهدی پور
ویراستار: محسن کیانی

مدیر هنری: مجید عباسی
چاپ و صحافی: دارا
تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷، تهران
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان
حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.
برنه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۸۹۸-۰

دفتر مرکزی نشر چشمه: تهران، ک. ر. شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتابفروشی نشر چشمه: کریم خان: تهران، خیابان کریم خان زند، نبش میرزای
شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ — ستاد: نبش نشر چشمه‌ی کوروش: تهران، بزرگراه ستاری
شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کوثر، طبقه ۱، جیم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ —
کتابفروشی نشر چشمه‌ی آرن: تهران، شهرک قدس (رب)، بلوار حرزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان
حافظی، نبش خیابان فخارمقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه ۱. تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵ — کتابفروشی
نشر چشمه‌ی وایزن: تهران، خیابان نیاوران (باهنر)، بعد از سه راه یاسر (مسجد جعفری)، پلاک ۳۱۱. تلفن:
۲۶۸۵۴۱۳۵ — کتابفروشی نشر چشمه‌ی بابل: بابل، خیابان شریعی، روبه‌رو شیریند، رای بابل. تلفن:
۳۲۴۷۶۵۷۱ (۰۱۱) — کتابفروشی نشر چشمه‌ی پریس: تهران، خیابان ۱۰ خرداد، نبش گلستان یکم،
مجتمع پریس، طبقه دوم. تلفن: ۹۱۰۰۱۲۵۸ — پخش کتاب چشمه: تلفن: ۸۵۰۲ ۷۷

www.cheshmeh.ir

 cheshmehpublication

 cheshmehpublication

مقدمه‌ی مترجم

مکبث موجزترین، شاعرانه‌ترین، وزین‌ترین و یکی از بهترین تراژدی‌های شکسپیر است و به نظر برخی منتقدان بهترین اثر او. و اگر شکسپیر را بزرگ‌ترین نمایش‌نامه‌نویس جهان بدانیم، مکبث در رتبه‌های نخست نمایش‌نامه‌های جهان قرار می‌گیرد. با این حال، همین اندازه مفتخرباره‌ی مکبث در این مقدمه کافی به نظر می‌رسد. چه، اگر بخواهیم وارد شرح و بررسی نمایش‌نامه شویم، نخواهیم توانست در مقدمه‌ای که اصولاً باید کوتاه‌تر از خود متن باشد، حق مطلب را ادا کنیم. شرح و بررسی نمایش‌نامه‌ی مکبث به گساری فصل از خود متن نیازمند است و بنابراین به کتب و مقالاتی مستقل در این باره؛ و در این ترجمه تنها به این بسنده شده است که توضیحاتی موجز و جزئی مربوط به متن نمایش «نامه شود» و باید تأکید کرد که جادارد سطر سطر متن این نمایش را توضیح داد و تفسیر کرد. اگر جرئت کنیم که تفسیر واحد و موجزی از این نمایش در یک جمله بیان کنیم، شاید بتوان گفت که مکبث نقد خودکامگی است، و بلکه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و حتی بوطیقای خودکامگی است. با این توضیح کوتاه در توجیه مقدمه نوشتن درباره‌ی مکبث، توضیحی کوتاه درباره‌ی ترجمه‌ی مکبث می‌دهیم:

از مکبث پنج شش ترجمه یا بیش‌تر به فارسی در دست است: ترجمه‌های زنده‌یادان فرنکیس شادمان (نمازی)، علاءالدین بازارگادی، و آقایان عبدالرحیم

احمدی و داریوش آشوری، و این‌ها ترجمه‌های خوبی هستند که آن‌ها را مطالعه و از تک‌تک‌شان استفاده کرده‌ام، به‌ویژه از ترجمه‌ی آقای داریوش آشوری که به گفته‌ی استاد بزرگوارم، دکتر بهرام مقصدادی، آخرین حرف را زده. استاد، در پی گفتاری که بر ترجمه‌ی آقای آشوری نوشته‌اند، چنین آورده‌اند: «بر خود واجب می‌دانم که این‌جا با صراحت تمام بگویم که این ترجمه از نمایش‌نامه‌ی مکبث به قلم آقای داریوش آشوری، چه برای اجرا و چه برای خواندن و لذت بردن، یک گمان‌متن نهایی و قطعی این نمایش‌نامه است...» بی‌شک آن زمان که این ترجمه سر شد چنین بود و آن استاد شیفته‌ی ادبیات شور و احساس خود را با نقد و درک عینی خود از ادبیات انگلیسی همراه کرد. اما فرضیه‌ی عدم قطعیت، به‌ویژه در حیطه‌ی علم انسانی، و به‌خصوص در دنیای ادبیات، نه تنها فرضیه نیست، بلکه اصل است. در سخن استاد بزرگ خود را به چالش نکشم، وظیفه‌ی شاگردی را در حق ایشان ادا کرده‌ام.

ترجمه‌ی متنی که پنج سال پیش برپا داشت ترجمه شده نشان می‌دهد که مترجم حرفی برای گفتن داشته. همچنان که ترجمان پیشین نیز چنین اندیشیده بودند و حرفی برای گفتن داشتند و هر کدام بخشی از اندیشه‌های شکسپیر را روشن کرده بودند. همچنان که خود مترجم، هم‌زمان با دست‌گیر کردن ترجمه‌ای متفاوت به دست خواهد داد. و باز، همچنان که این ترجمه حرف آخر نیست، و بل، آغاز راهی برای ترجمه‌هایی با این سبک خواهد بود. امیدوارم دیگران این ترجمه را به چالش بکشند و به بازترجمه‌ی آثار شکسپیر بپردازند و او را بیش‌تر و بهتر بشناسانند.

و اما ویژگی‌های این ترجمه: در این ترجمه که دومین تجربه‌ام در مورد شکسپیر است، مانند تجربه‌ی پیشین، یعنی ترجمه‌ی نمایش‌نامه‌ی حکم در برابر حکم، چهار کار نسبتاً متفاوت انجام داده‌ام که البته کارهایی ساده و آسان ولی ضروری بودند:

الف. استقلال سطرها در شعرها: نمایش‌نامه‌های شکسپیر پیش‌تر به شعرند و

نمایش نامه‌ی مکبث به جز دوسه گفت‌وگو (نامه‌ی مکبث به همسرش، گفت‌وگوی بانو مکداف با پسرش و گفت‌وگوی پزشک با ندیمه) به شعر است. همچنان که در مقدمه‌ی نمایش نامه‌ی حکم در برابر حکم آورده‌ام، شعر نمایشی شکسپیر همانند معاصرانش بیش‌تر به صورت سطرهای ده‌هجایی بی‌قافیه است و در مواردی که شاعر صلاح می‌بیند، به فراخور موضوع و حادثه و مطلب، هجاها را کم می‌کند و به سطر بعدی می‌رود یا قافیه به کار می‌برد و به اصطلاح ما مثنوی می‌سراید. در ترجمه‌ی حاضر، سطرهای منظوم را به صورت مستقل آورده‌ایم.

ب. رعایت فیه‌پردازی در سطر یا مصرع‌های مقفا: شکسپیر در موارد خاصی قافیه‌ها را در متن می‌گذارد و ما هر جا قافیه بود، مقفا ترجمه کردیم. قافیه‌پردازی بیش‌تر در اختتام‌های صحنه‌ها و برای خُسن ختام یا تأکید روی معنی یا جلب توجه تماشاگر به پایان صحنه به کار می‌رود. در این نمایش نامه گفت‌وگوهای جادوگران با هم مقفاست و گویا برای افسان کردن و معما گفتن به قافیه و نظم نیاز است.

ج. توضیحات متن: به سبب زیاد بودن در پایان کتاب آمده‌اند. ضرورت این توضیحات برای فهم متن دشوار و تاریخی شکسپیر بدیهی است. خود انگلیسی‌زبان‌ها شکسپیر را بدون پاورشت و توضیحات نمی‌فهمند، چه برسد به این که متن ترجمه شده باشد و تفاوت زبانی و فرهنگی نیز به تاریخی بودن متن افزوده شده باشد. در بعضی از نمایش نامه‌های شکسپیر این توضیحات تقریباً به اندازه‌ی خود متن است، از جمله مکبث. در ضمن در خرد متن، کلماتی را که مترجم به متن افزوده در پرانتز قرار داده‌ایم.

د. تلفیق شیوایی، قابل فهم و نمایشی بودن متن: کوشیده‌ام زبانی بعضاً ساده و محذاً غیرعادی شکسپیر را حفظ کنم و به خودم اجازه نداده‌ام متن را صیقل بزنم یا گفت‌وگوها را یک‌دست کنم و به بهای تحریف یا آسیب زدن به روابط بینامتنی جملات، متن را شیوا کنم. خواندن خود متن این موضوع را بهتر توضیح می‌دهد. گفتنی است که ناچار کلماتی به متن افزوده‌ام و آن‌ها را در پرانتز گذاشته‌ام.